

عباس رهبری^۱

چکیده

امروزه شناخت اصول مدیریت و ویژگی‌های یک مدیر از دیدگاه ائمه (ع) اهمیت بسیار بالایی داشته و اطلاع از اصول مدیریت برای مدیران پایه‌های مختلف امری ضروری است، این امر باعث خودآگاهی، خودسازی و الگو شدن مدیران می‌گردد. در این بین بررسی دیدگاه‌های بزرگان دین همانند امام علی (ع) می‌تواند اصول اولیه مدیریت و هم ویژگی‌های یک مدیر را برای ما روشن کرده و با به‌کارگیری آن جایگاه واقعی مدیران در جامعه تقویت گردد. سؤال این است که آیا دین مبین اسلام اصول و ویژگی یک مدیر خوب را بیان کرده است و این اصول را می‌توان در سخنان بزرگان دین اسلام یافت و از آنها استفاده کرد. روش پژوهش این مقاله به صورت تاریخی، توصیفی است به نحوی که مباحث اصول و ویژگی‌های مدیر در کلام امام علی (ع) بررسی و تحلیل قرار گرفته و به سؤالات مطرح‌شده پاسخ داده شده است و در آخر نیز نتیجه به دست آمده و راه استفاده از کلمات گوهر بار امام (ع) بیان گردیده است.

کلیدواژه: مدیریت ، اسلام ، امام علی (ع) ، مسئولین .

۱- تاریخ و تمدن ملل اسلامی، مری، هیات علمی، پردیس شهید مدرس کردستان، دانشگاه فرهنگیان، ایران

۱. مقدمه

آشنایی مسئولین و مدیران با اصول و ویژگی‌های مدیریت آن‌ها را جهت ایجاد محیط مناسب، خودآگاهی، خودسازی و الگو بودن برای کارکنان رهنمون می‌کند. مطالعات نشان می‌دهد عملکرد مدیران متعهد، باتجربه و متخصص با استفاده از اصول صحیح مدیریتی، محیطی کارآمدتر ایجاد کرده است. باید دانست گرچه تخصص و تجربه حرفه‌ای از شرایط لازم برای مدیریت است اما شرط کافی نیست و تنها داشتن تخصص چاره‌ساز نیست، بلکه باید دانش مدیریتی خود را با تجربیات علمی و ابتکاری توأم سازد تا بازدهی مدیریتی او بیشتر شود. اکثر سازمان‌های ناموفق دارای مدیریت‌های ناکارآمد و ضعیف بوده‌اند (لاکت جان، ۱۳۷۳، ص ۲۷۴) و همین امر باعث گردیده تا مجموعه تحت مدیریت آنان موفق به انجام کارهای موردنظر سازمانی نشوند.

وجود مدیریت در زمان ما از جایگاه مطلوبی برخوردار نیست و در بسیاری از موارد مدیران مؤسسات فاقد دید علمی هستند (سید عباس زاده، فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش شماره ۲). با این وصف می‌توان گفت تخصص (دانش، بینش، کوشش) و تجربه حرفه‌ای امری ضروری در مدیریت بوده که در امر تصمیم‌گیری به مدیر کمکی کند. تصمیم‌گیری یکی از امور مهم مدیریتی و پراهمیت‌ترین وظیفه یک مدیر است، بعضاً افرادی، مدیریت و تصمیم‌گیری را به‌عنوان یک مقوله تعریف کرده‌اند. گریفت^۲ معتقد است که تصمیم‌گیری، جوهر و عصاره کار مدیریت است. برنارد^۳ نیز معتقد است تصمیم‌گیری فرا گردی است که از طریق سنجش، محاسبه و اندیشیدن به دست می‌آید. گرک^۴ تصمیم‌گیری را در قلب مدیریت دانسته و معتقد است که این وظیفه در کانون فرآیند مدیریت قرار دارد. این‌ها مطالبی است که بزرگان مدیریت امروز بیان می‌کنند، ما در بررسی تاریخی رفتارهای مدیریتی بزرگان دین اسلام درمی‌یابیم آنان دارای یک دیدگاه پربار مدیریتی بوده و مدیریت را یک هنر دانسته‌اند و برای مدیران و کارگزاران خود دستوراتی را داده‌اند که در جامعه امروزی ما بسیار مهم و کارآمد است.

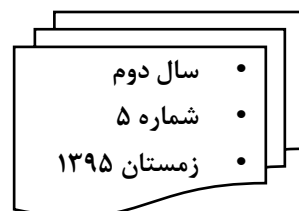
برای اینکه در جامعه امروزی بتوانیم به‌خوبی مجموعه تحت مدیریت خود را به سرانجام مقصود برسانیم باید از دیدگاه مدیریتی آنان اطلاع داشته، در فرایند کاری خود از آن استفاده کنیم در این مقاله سعی شده است تعریفی از مدیریت بیان و پس از آن اصول و ویژگی مدیریت از دیدگاه امام علی (ع) موردبررسی قرار گیرد.

مدیریت خود دارای تعریفی مناسب و مشخص‌کننده فعالیت فرد مدیر است و افراد زیادی در این خصوص به تعریف و توضیح آن پرداخته‌اند و سعی کرده‌اند جایگاه خاصی برای آن پیدا کنند که به بیان تعریفی از آن می‌پردازیم.

2. Griffiths

3. Bernard

4. Gregg



۲. تعریف مدیریت

می‌توان گفت مدیریت به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی موردقبول، صورت می‌گیرد (علی رضائیان ۱۳۷۸، ص ۷).

تعریف مذکور، پنج قضیه اساسی ذیل را از زیربنای مفاهیم کلی نظری و عملی (فنی) مدیریت است در بردارد:

۲،۱. مدیریت یک فرایند^۵ است.

۲،۲. مفهوم نهفته مدیریت، هدایت تشکیلات انسانی است.

۲،۳. در مدیریت مؤثر، تصمیمات مناسب گرفته می‌شود و نتایج مطلوبی حاصل می‌آید.

۲،۴. مدیریت کارا، به تخصص و مصرف مدبرانه منابع می‌گویند.

۲،۵. مدیریت بر فعالیت‌های هدف‌دار تمرکز دارد. (Howard m.carlisle, op.cit.p.5)

۳. مدیریت در اسلام

بدون شک تدبیر، سیاست و مدیریت جامعه بشری سرآغاز کار پیامبران الهی بوده است و دعوت به اطاعت از خداوند تبارک‌وتعالی و تسلیم در برابر دستورات خداوند در مقابل حکومت‌های طاغوت، مقابله با فساد و فحشاء در ابعاد فردی و اجتماعی و برقراری عدالت از جمله اصول مشترک برنامه رسالت انبیاء الهی و مکاتب توحیدی است.

خداوند تبارک‌وتعالی می‌فرماید: در میان هر ملتی پیامبری فرستادیم تا مردم را به پرستش خدای یگانه و اجتناب از طاغوت دعوت کند (سوره نحل آیه ۳۶). ما پیامبران را با دلایل روشن فرستادیم و کتاب و میزان به ایشان دادیم تا مردم بر قسط و عدل پابرجا شوند و آهن را که موجب هراس متجاوزان بوده و دارای منافعی برای مردم است نازل کردیم (سوره حدید آیه ۲۵).

سیره رسول مکرم اسلام حضرت محمد (ص) در زمان تصدی ایشان بر امت اسلامی الگویی پر بار برای مدیران ما است و در نهج‌البلاغه امام متقین علی (ع) نیز در فرمان تاریخی خود به مالک اشتر نخعی، اصول مدیریت اسلامی را به ایشان گوشزد نموده که اگر به اساس تفکرات مدیریتی در عصر حاضر به نامه امام (ع) به مالک اشتر نخعی نگاهی بیندازیم (نهج‌البلاغه، نامه

^۵ تغییر به‌سوی هدف، با استفاده از مکانیزم بازخورد را فرایند گویند. هر فرایندی دارای هدف، ساختار و نتیجه است. ساختار فرایند، طریق به هم پیوستن عوامل متعددی با دیگر فرایندها برای نتیجه واحد است.

۵۳، ص ۱۰۲۰، ص ۹۹۱) می‌توان آن را به‌حق جامع‌ترین دستور و منشور برای سیاست و مدیریت و ترسیم اصول اساسی و ویژگی‌های مدیریت اسلامی دانست (تقی رهبر، ۱۳۶۶) که در اینجا به پاره‌ای از این موارد می‌پردازیم.

۴. اصول مدیریت اسلامی از دیدگاه امام علی (ع)

در این فرمان اصول مدیریت اسلامی و دستورات متناسب با رفتارهای سازمانی بر مبنای اصول اولیه اسلامی بیان شده است که عبارت‌اند از:

۴،۱. حاکمیت خدا و وحدت فرماندهی

اولین اصل در زمینه حکومت و مدیریت پذیرش فرماندهی خداوند، بنده او بودن و خداترسی است به‌طوری‌که در جای‌جای دستورات امام (ع) نام خدا و رضای او به‌وضوح دیده می‌شود و آنجا که می‌فرمایند: این دستوری از بنده خدا به مالک و امر می‌کند او را به تقوای الهی و برگزیدن فرمان او و پیروی از آنچه در کتابش امر فرموده است (نهج‌البلاغه، ب ۲، ص ۹۹۲).

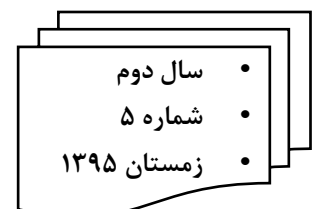
در اینجا به افراد می‌گوید اگر در نظام الهی اسلامی، مدیریتی را قبول می‌کنید و دارای پست و مسئولیتی می‌شوید، در پیشگاه خداوند مسئول و پاسخگو خواهید بود و باید خداترس و باتقوا باشید و این مقام و مسئولیت شمارا از خدمت به خلق غافل نکند. فرد را به وحدت و فرماندهی در قالب اصل حاکمیت خداوند و تبعیت از او فرامی‌خواند.

۴،۲. مردم‌داری و مهربانی با مردم

یکی دیگر از اصول مهم مدیریتی، مردم‌داری و مهربانی با مردم است زیرا کلیه ساختار و نظم اداره یا سازمان و به‌طور کلی تشکیلات ایجادشده جهت رفاه مردم به وجود آمده است و مدیر مدبر، بالیمان، خداپرست بایستی با مردم مهربانی و مدارا کند و در برخورد با مردم و کارکنان از اصول و قوانین اسلامی استفاده نماید. امام (ع) در این مورد فرموده‌اند: و مهربانی و خوش‌رفتاری و نیکویی با رعیت را در دل خود جای ده، مبدا با آنان چون جانور درنده باشی و خوردنشان را غنیمت شماری زیرا که مردم دودسته‌اند یا مسلمان‌اند و برادر دینی تو و یا انسان‌اند و در خلقت همانند تو (نهج‌البلاغه، ب ۲، ص ۱۰۰۱). این اصل توصیه می‌کند مدیر مردم‌دار و مهربان باشد و نه تنها با مسلمین بلکه با غیرمسلمان نیز بایستی برخورد شایسته داشت.

۴،۳. عدالت بر اساس حق

یکی دیگر از اصول مدیریت پیروی از حق و عدالت ورزی است و این مورد از امور مشهود در دوران خلافت امام (ع) است ایشان چنان در امور حق و عدل قاطعانه برخورد نموده‌اند که زبازد عام و خاص می‌باشند و به مالک بیان نمودند فرقی بین آشنا و فامیل و دوست و سفارش شده قرار نداده و بین مسلمان و غیرمسلمان تبعیض قائل نشو به‌طوری‌که همه افراد از مواهب حکومت عدل برخوردار باشند در فرمان خود می‌فرمایند: حق را برای آنکه شایسته است از نزدیک یا دور (خویش و بیگانه) اجرا کن (نهج‌البلاغه، ب ۷۲، ص ۱۰۳۶) و یا در جای دیگر می‌فرمایند: و نیکوترین چیزی که حاکمان را خشنود می‌سازد برپاداشتن عدل و دادگری در شهرها و آشکار ساختن دوستی رعیت است (نهج‌البلاغه، ب ۳۶، ص ۱۰۰۸).



۴,۴. تغافل در برخورد با مردم و چشم‌پوشی بزرگوارانه

یکی دیگر از اصول مدیریت در برخورد مناسب با مردم، رعایت تغافل با مردم است؛ زیرا انسان‌ها به دلایل مختلف در معرض خطا و اشتباه قرار دارند و خود امام (ع) در برخورد با مردم گذشت داشت و در مقابل بعضی از اشتباهات و خطاهای آنان خود را به تغافل می‌زد و به مالک نیز بیان نموده‌اند: مردم از پیش گرفتار لغزش و خطا بوده و به سبب‌هایی بدکاری به آن‌ها روی آورده است، به عمد یا به سهو دچار لغزش می‌شوند پس اگر پیش آمدی آن‌ها را به سهو به بدکاری واداشت نباید به ایشان بخشش و عفو روا نداشت (تغافل) با بخشش و گذشت خود آنان را عفو کن، همان‌طور که دوست داری خدا با بخشش و گذشت تو را بیامرزد (نهج‌البلاغه، ب ۶، ص ۹۹۵): بر مبنای این دستور امام (ع) مدارا و چشم‌پوشی بجا از کارهای مردم از اصول یک مدیریت صحیح است که با رفتار انسانی آجین می‌گردد.

۴,۵. انصاف و میانه‌روی در حق

انصاف را می‌توان به رفتار مناسب با زیردستان بر مبنای قوانین و مقررات، از روی حق و عدل معنی کرد. امام انصاف را نه تنها مبنای رفتار مدیران با مردم بلکه اصل مبنای رفتار او را با خداوند می‌داند. در این ارتباط به مالک می‌گوید: با خدا به انصاف رفتار کن (او امر او را به کار گیر و از نواهی او بپرهیز)، از جانب خود و نزدیکان خود درباره مردم انصاف را از دست مده (نهج‌البلاغه، ب ۱۰، ص ۹۹۶) و نیز می‌فرماید: پس رنج کار هر یک از آنان را برای خودش بدان و رنج کسی را به دیگری نسبت نده و باید در پاداش دهی به او هنگامی که کارش تمام می‌شود کوتاهی ننمایی و بزرگی کسی تو را بر آن ندارد که رنج و کار کوچک کسی را بزرگ شماری و پستی کسی تو را و ندارد که رنج و کار بزرگش را کوچک شماری (نهج‌البلاغه، ب ۳۸، ص ۱۰۰۹). بر مبنای این دستورات مدیر باید با رعایت انصاف به زیردستان کمک کند.

۴,۶. منافع اکثریت را بر منافع اقلیت ترجیح دادن

یکی دیگر از اصول مدیریت، منافع عمومی را بر منافع فردی ترجیح دادن است، بدین صورت که نباید به خاطر فردی منافع عمومی و مصالح سازمانی را فدا نمود. امام (ع) در این باره می‌فرماید: کاری که باید بیش از هر چیزی دوست داشته باشی میانه‌روی در حق، همگانی کردن آن و دادگری است که بیشتر موجب خشنودی رعیت می‌گردد زیرا خشم همگانی، رضا و خشنودی چند تن را پایمال می‌سازد و خشم چند تن در برابر خشنودی همگان اهمیت ندارد (نهج‌البلاغه، ب ۱۱، ص ۹۷۷).

۴,۷. نظارت و ارزیابی بر عملکرد

تأکید بسیار زیادی به مدیران دستگاه‌های اجرایی است که بر اعمال و کار کارکنان نظارت داشته و ارزیابی مستمری از آن‌ها بنمایند. امام نیز می‌فرماید: پس در کارهایشان (عمال و کارگزاران) کاوش و رسیدگی کن و بازرس‌های راست‌کار و وفادار بر آنان بگمار، نباید نیکوکار و بدکار نزد تو به یک پایه باشند که این امر نیکوکار را از نیکوکاری بی‌رغبت و بدکاران را به بدی وامی‌دارد و هر یک از ایشان را به آنچه گزیده است جزا بده (نهج‌البلاغه، ب ۲۰، ص ۱۰۰۱).

۴,۸. انتخاب فرد لایق

یکی از مهم‌ترین مسائل فعلی مدیریت در جهان امروز و بخصوص در کشور ما نحوه انتخاب افراد توسط مدیران ارشد است، آنان با عزل و نصب مدیران و زیردستان خود بر مبنای اعمال سلیقه، آزمایش و خطا و عدم تبعیت از ملاک‌های علمی و منطقی باعث شده‌اند افراد ناکارآمد در مشاغل حساس قرار بگیرند. امام (ع) به مالک می‌گویند: پس در حال نویسندگان (کارگزاران) بنگر و بهترین ایشان را به کارهایت بگمار (نهج‌البلاغه، ب ۴۳، ص ۱۰۱۲) چون آنان را (کارگزاران) تجربه و آزمایش نمودی به کار گمار (نهج‌البلاغه، ب ۴۵، ص ۱۰۱۲). در اینجا امام (ع) تأکید دارند با رعایت معیار و ملاک آزمودن، افراد را به کار گمار نه اینکه بکار گماری و بعداً بررسی کنی و نیز فرمودند: برای انجام کارها از نیروهایت کسانی را بگمار که برای خدا و رسول پندپذیرند و پاک‌دل‌تر، خردمندتر، بردبارتر و مهربان‌تر، ... باشند (نهج‌البلاغه، ب ۳۲، ص ۱۰۰۶).

امام با این بیان تأکید می‌کنند باید برای انتخاب مدیر ملاک‌ها و معیارهای مناسب تعریف تا گزینش و انتخاب افراد شایسته‌تر بهتر صورت گیرد.

۴,۹. تقسیم‌کار

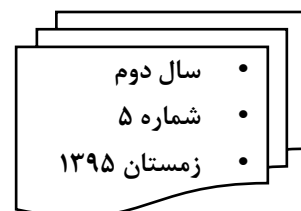
از دیگر امور مربوط به یک مدیر مدبر و لایق تقسیم‌کار است جهت انجام ساده‌تر و بهتر کارها امام (ع) در این مورد می‌فرمایند، برای هر کاری از کارهایت رئیس و کارگردانی از نویسندگان قرار بده که بزرگی کارها او را مغلوب و ناتوان نسازد و هرگاه در آنان عیبی باشد و تو از آن غافل باشی تو را به آن بدی می‌گزینند (تو باید پاسخگو باشی) (نهج‌البلاغه، ب، ص ۱۰۱۷) این تأکیدها از طرف امام (ع) در خصوص تقسیم‌کار بر اساس توان و تخصص در پیشبرد امور و ارائه خدمات بهتر به مردم است.

۴,۱۰. حقوق و پرداخت پاداش

در دنیای مدیریت امروز پرداخت حقوق و پاداش مناسب به کارکنان حرف اول را می‌زند و زمانی می‌توان از یک فرد متخصص، مدبر، لایق و متعهد کار مناسب خواست که حقوق و پاداش او نیازهای زندگی او را مرتفع و رضایت شغلی او را فراهم کند. در غیر این صورت نمی‌توان رشدی در کار و پیشبرد آن را در نظر گرفت. امام (ع) در این باره می‌فرمایند: پس جیره و خواروبارشان را فراوان ده که این کار آنان (کارگزاران) را به اصلاح خودشان توانا کرده و بی‌نیاز گرداند (نهج‌البلاغه، ب ۴۴، ص ۱۰۱۲) و آن قدر به قاضی بده و زندگی او را فراخ ساز که عذر او از بین برود و نیازش به مردم با آن بخشش (حقوق مکفی) کم باشد (نهج‌البلاغه، ب ۴۱، ص ۱۰۱۱).

۵. ویژگی‌های یک مدیر از دیدگاه امام علی (ع)

ویژگی‌های یک مدیر لایق را می‌توان از نامه امام علی (ع) به مالک اشتر به دست آورد و بر اساس آن، نسبت به انتخاب مدیر اقدام نمود در ذیل به این ویژگی‌های اشاره می‌گردد.



۵,۱. ویژگی‌های مناسب که در شأن و منزلت یک مدیر اسلامی است عبارت‌اند از:

- ۵,۱,۱. مدیر خود را بنده خدا دانسته، خداترس و متقی باشد (نهج‌البلاغه، ب ۲، ص ۹۹۱).
- ۵,۱,۲. مدیر باید نفس خو را از شهوات و خواهش‌های نفسانی تزکیه کند (نهج‌البلاغه، ب ۴، ص ۹۹۱).
- ۵,۱,۳. مدیر به دل، دست و زبان یاری گر دین خدا باشد (نهج‌البلاغه، ب ۳، ص ۹۹۱).
- ۵,۱,۴. مدیر باید با مردم، مهربان، خوش‌رفتار و نیکو باشد (نهج‌البلاغه، ب ۶، ص ۹۹۳).
- ۵,۱,۵. مدیر باید عادل، میانه‌رو در حق بوده و منافع عوام را بر منافع خواص ترجیح دهد (نهج‌البلاغه، ب ۱۱، ص ۹۹۶).
- ۵,۱,۶. مدیر باید بین نیکوکار و بدکار تفاوت گذاشته با راست‌گویان هم‌نشین باشد (نهج‌البلاغه، ب ۱۹ و ۲۰، ص ۱۰۰۵).
- ۵,۱,۷. مدیر باید پندپذیر، راست‌گفتار، درست‌کردار و بردبار بوده و در مقابل زورگویان سختگیر باشد (نهج‌البلاغه، ب ۳۲، ص ۱۰۰۵).
- ۵,۱,۸. مدیر باید بر کار کارگزاران نظارت دقیق داشته باشد (نهج‌البلاغه، ب ۴۱، ص ۱۰۱۰).
- ۵,۱,۹. مدیر باید در گزینش و به‌کارگماری کارگزاران بر اساس تجربه و آزمون عمل نماید (نهج‌البلاغه، ب ۴۳، ص ۱۰۱۱).
- ۵,۱,۱۰. مدیر باید از امور بازرسی داشته و برای بازرسی افراد صالح بگمارد (نهج‌البلاغه، ب ۴۵، ص ۱۰۱۱).
- ۵,۱,۱۱. مدیر باید برنامه‌ریزی داشته باشد و کار امروز را به فردا نیندازد (نهج‌البلاغه، ب ۶۴، ص ۱۰۲۳).
- ۵,۱,۱۲. مدیر باید وفای به عهد داشته باشد (نهج‌البلاغه، ب ۷۴ و ۷۵، ص ۱۰۲۷).

۵-۲. ویژگی‌های نامناسب که در شأن و منزلت یک مدیر اسلامی نیست عبارت‌اند از:

- ۵,۲,۱. مدیر باید از کبر، خودپسندی و برابر دانستن خود با خدا بپرهیزد (نهج‌البلاغه، ب ۸، ص ۹۹۳).
- ۵,۲,۲. مدیر باید در رفتار با مردم از ستمگری و درنده‌خویی بپرهیزد (نهج‌البلاغه، ب ۶، ص ۹۹۳).
- ۵,۲,۳. مدیر باید از هم‌نشینی با کسانی که به گفتن زشتی‌های مردم اصرار دارد بپرهیزد (نهج‌البلاغه، ب ۱۴، ص ۹۹۷).
- ۵,۲,۴. مدیر باید از افراد بخیل، ترسو و حریص بپرهیزد (نهج‌البلاغه، ب ۱۶، ص ۹۹۸).
- ۵,۲,۵. مدیر باید از افراد متملق و کسانی که در گناه اشرار و ستمگران شریک بوده‌اند بپرهیزد (نهج‌البلاغه، ب ۱۷ و ۱۸، ص ۹۹۹).
- ۵,۲,۶. مدیر باید از شکستن سنت‌های حسنه بزرگان و پیشینیان بپرهیزد (نهج‌البلاغه، ب ۲۴، ص ۱۰۰۱).
- ۵,۲,۷. مدیر باید از جنگ‌طلبی، خونریزی و بی‌عدالتی پرهیز نماید (نهج‌البلاغه، ب ۷۵، ص ۱۰۲۷).
- ۵,۲,۸. مدیر باید از خودپسندی، منت‌گذاشتن و بزرگ‌نمایی کارهای کوچک پرهیز نماید (نهج‌البلاغه، ب ۷۶، ص ۱۰۲۸).
- ۵,۲,۹. مدیر باید از عجله و شتاب‌زدگی پرهیز نماید (نهج‌البلاغه، ب ۷۸، ص ۱۰۲۸).
- ۵,۲,۱۰. مدیر باید بر زبان خود مسلط بوده و هنگام خشم از تصمیم‌گیری پرهیز نماید (نهج‌البلاغه، ب ۸۴، ص ۱۰۳۱).
- ۵,۲,۱۱. مدیر باید در عزل و نصب کارگزاران از آزمایش و خطا بپرهیزد (نهج‌البلاغه، ب ۴۳، ص ۱۰۱۱).

۶. نتیجه‌گیری

آنچه در این مختصر می‌توان درباره انتخاب مدیر در نظام اسلامی مطرح کرد این است که در مکتب اسلام برخلاف دیگر مکاتب ارزش‌ها نسبی نیست و زمان و مکان در تبدیل مفاهیم ارزشی دخیل نیستند. این امر از آنجا ناشی می‌شود که واضع

ارزش‌ها در مکتب اسلام تعقل ناقص بشری نیست و واضح آن خداوند است که مطالب را به رسول گرامی اعلام و ایشان نیز دستورات را به اصحاب عرضه داشته و انتقال این دستورات به وسیله کتاب، سنت بوده و ما نیز باید بر اساس کتاب، سنت، اجماع و عقل دقیقاً مطالب را دریافت داشته و در امور زندگی خود به کارگیریم و یک نمونه بارز آن انتخاب مدیر است که می‌تواند جامعه اسلامی را با دستورات بیان شده به سوی هدف والای خود سوق دهد (رضائیان، علی، ۱۳۷۸).

امید است کلام ائمه برای آشنایی با ویژگی‌های و اصول مدیریت مورد استفاده قرار گرفته و گامی مؤثر برای رشد فضایل اخلاقی آنان باشد و هدف مدیریت در نظام اسلامی که همانا خدمت به مردم و حضور با مردم و در میان مردم بودن جهت رضایت خداوند متعال است تحقق یابد.

۷. منابع

- قرآن کریم.

- رضائیان، علی، ۱۳۷۸، *اصول مدیریت*، تهران سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی علوم انسانی دانشگاه‌ها - (سمت).

- رهبر، تقی، ۱۳۶۶، *سیاست و مدیریت از دیدگاه امام علی (ع)*، انتشارات تبلیغات اسلامی.

- سید عباس زاده، میر محمد، *لزوم توجه به مدیریت آموزشی در نظام آموزشی ایران*، فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش شماره ۲.

- خمینی، روح‌الله، ۱۳۶۴، *صحیفه نور*، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.

- لاکت جان، ۱۳۷۳، *مدیریت اثربخش*، ترجمه سید امین‌الله علوی، مرکز مدیریت آموزش مدیریت دولتی.

- میر کمالی، سید محمد، ۱۳۷۴، *مدیریت و رهبری آموزشی*، نشر رامین.

- سید رضی، ابوالحسن محمد بن الحسین بن موسی، ۱۳۷۸، *نهج البلاغه*، فیض الاسلام، نامه ۵۳، نوبت چهارم، انتشارات فقیه.

- Howard m.carlisle,op.cit.